

## تأثیر فرهنگ و شرایط اجتماعی در شکل‌گیری آرمان‌شهر قرآنی

محمدباقر آخوندی\*

### چکیده

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که چه شرایط اجتماعی و فرهنگی بر شکل‌گیری آرمان‌شهر مورد نظر قرآن تأثیر دارد این آرمان‌شهر چه ویژگی‌هایی دارد که آن را ممتاز می‌کند؟ برای بررسی این پرسش، تحلیل محتوای کیفی پنهان، روی تفاسیر آیات شریفه قرآن صورت گرفته سپس مفاهیم براساس «گراند‌تئوری»، کدگذاری و طبقه‌بندی شد. در نهایت، آرمان‌شهر مورد نظر قرآن با دو ویژگی اساسی دینداری و نظارت اجتماعی به دست آمد. این آرمان‌شهر فقط در ذهن وجود ندارد؛ بلکه در گذشته تحقق یافته و در آینده نیز محقق خواهد شد و اثر آن دو ویژگی در جامعه‌ای به وجود آید، منعی برای تحقق آن در زمان حاضر نیست. در واقع، این مقاله طرح ایده‌ای درباره چگونگی تحقق آرمان‌شهر قرآنی است.

واژه‌های کلیدی: آرمان‌شهر قرآنی، فرهنگ، تحلیل محتوا، جامعه‌شناسی

### مقدمه

چهار نظر کلی برای تعریف شهر وجود دارد: گروهی از جامعه‌شناسان، شهر را مبتنی بر اندازه و تراکم جمعیت تعریف می‌کنند؛ بعضی تعریف نهادی برای شهر در نظر می‌گیرند؛ دسته‌ای دیگر، شهر را براساس شیوه‌های رفتاری معین و مشخص و گروهی نیز شهر را مبتنی بر گونه‌های فرهنگی خاص تعریف می‌کنند (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹). بر همین اساس، سه پارادایم مهم در جامعه‌شناسی شهری شکل گرفته است:

۱. پارادایم جبرگرایی یا اکولوژیکی: که مدعی است شهرنشینی بر اثر افزایش اندازه و تراکم جمعیت به وجود می‌آید و زمینه اختلال‌های ساختاری و روانی شهرنشینان را فراهم می‌کند و باعث تضعیف پیوندهای عاطفی می‌شود که در روستا به فراوانی دیده می‌شود.
۲. پارادایم ترکیبی: علاوه بر رد نظر جبرگرایان، بر پیوندهای اجتماعی قوی و گروه‌های به‌هم‌پیوسته متعدد اشاره می‌کند که شهر را شکل می‌دهد و با این وجود به دلیل آشکار نبودن این پیوندها و گروه‌ها باید آنها را کشف کرد.
۳. پارادایم خرده‌فرهنگی: سنتزی از دو پارادایم قبلی است و بر این باور است که تراکم و تجمع جمعیت در شهر باعث به وجود آمدن خرده‌فرهنگ‌های مجزا و مشخص می‌شود که هر کدام از آنها، نظم اخلاقی و هنجارهای خاص خود را دارد. گاه مشکلاتی که پارادایم جبرگرایی معتقد بود در شهر به وجود می‌آید، از طریق همین خرده‌فرهنگ‌های نابهنجار شکل می‌گیرد (همان). به دلیل آنکه صنعتی شدن، شهرنشینی و پیشرفت علوم در غرب، جامعه‌ای را پدید آورد که بعداً جامعه توسعه‌یافته نام گرفت، به تدریج سایر کشورها به دو گروه عقب‌مانده و در حال توسعه معرفی شدند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴). جالب آنکه، بیشتر صاحب‌نظران غربی نیز مسیر توسعه را همان مسیر طی‌شده توسط کشورهای توسعه‌یافته معرفی می‌کردند و راه درمان عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم را تبعیت از فرهنگ کشورهای جهان اول می‌دانستند (همان؛ ریتزر، ۱۳۷۹). باید اذعان کرد که توسعه و توسعه‌یافتگی بحث روز و مربوط به امنیت ملی تمام کشورهای جهان سوم و به‌طور عمده اسلامی است. اگر چنین است، به‌راستی جامعه اسلامی کدام مسیر را برای رسیدن به جامعه آرمانی باید طی کند تا اهداف دین تحقق یابد؟ این مقاله با هدف بررسی شاخص‌های جامعه آرمانی مورد نظر قرآن و با در نظر داشتن این پیشینه، درصدد توضیح نظر قرآن درباره شکل‌گیری اجتماع آرمانی است و با بهره‌گیری از تفاسیر المیزان، نمونه، راهنما و مجمع البیان شهرآرمانی مورد نظر قرآن را ترسیم خواهد کرد. زمانی اهمیت چنین تحقیقی آشکار خواهد شد که نظری اجمالی بر شهرهای امروز دنیا و به‌ویژه شهرهای مسلمان‌نشین داشته باشیم. امروزه مشکلات و نابسامانی‌های بسیاری که مردم شهرنشین را

گرفتار کرده، به قدری عمیق و اساسی است که جستجوی راه‌حل آن، دغدغه بیشتر جامعه‌شناسان، سیاستمداران و برنامه‌ریزان شهری است. به دلیل آنکه موضوع این مقاله بازگشت به اصل و اساس فرهنگ دینی، یعنی قرآن کریم، به عنوان آخرین و کامل‌ترین ذخیره الهی است، راه‌حل آن، با تمام تلاش‌هایی که در گذشته صورت گرفته، متفاوت و شفاف‌بخش خواهد بود.

قبل از ورود به بحث لازم است دین را مبتنی بر آیات قرآن تعریف جامعی کنیم. هرچند لغت دین در قرآن بر مطلق آیین زندگی اطلاق می‌شود ولی این حق از دیدگاه قرآن، عبارت از «تسلیم شدن» در برابر اراده تشریعی خداوند است که از اراده تکوینی او ناشی می‌شود و به زبان پیامبران الهی بیان شده است و فطرت نیز آن را اقتضا می‌کند. بنابراین، دین و دیندار، یک حقیقت و همان صراط مستقیم است و براساس آیه شریفه ۶۷ سوره آل عمران، پیروان آن با یک نام و نه بیشتر و آن هم با نام «مسلمان» خوانده می‌شوند. آن‌گونه که ملاحظه می‌شود در دیدگاه قرآن مجید، دین و دیندار دو پدیده جدا از یکدیگر نیست؛ بلکه یک حقیقت است. زمانی که فرد تسلیم اراده الهی شد، دینداری در او محقق شده است. بر همین اساس، مراتب دینداری نیز مبتنی بر میزان تسلیم بودن افراد در برابر اراده الهی تحقق خواهد یافت (طباطبایی، ۱۳۷۴؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱؛ ابن عربی، ۱۳۸۲).

روش تحقیق این مقاله، تحلیل محتوای کیفی پنهان و گراند‌تئوری است. تحلیل محتوا، از جمله روش‌های غیر واکنشی و غیر مداخله‌ای است که مهم‌ترین کار آن، مقوله‌بندی مفاهیم است و سه ویژگی مهم و اساسی دارد: فراگیری، طرد متقابل و استقلال (صدیق سروسستانی، ۱۳۷۵). تحلیل محتوای کیفی، یکی از روش‌های تحلیل داده‌های متنی در شش مرحله است: طرح، واحدبندی، نمونه‌گیری، کدگذاری، استخراج نتایج و مرحله معتبرسازی (فلیک، ۱۳۸۷، ص ۳۴۸ و ۳۴۹؛ کرپندوروف؛ به نقل از: ذکایی، ۱۳۸۷). همچنین با سه تکنیک انجام می‌گیرد: تکنیک تلخیص؛ تکنیک تحلیل تفسیری؛ تکنیک تحلیل ساختاریبخش (ساختاربندی صورتی، ساختاربندی براساس محتوا، ساختاربندی سنخ‌شناسانه و ساختاربندی درجه‌ای (فلیک، همان، ص ۳۴۸ و ۳۴۹). از سوی دیگر، در روشی که استروس و کوربین پیشنهاد می‌کنند، اطلاعات متن تجزیه می‌شود و پس از مفهوم‌سازی در ترکیبی جدید قرار می‌گیرد. این روش که کدگذاری نظری نامگذاری شده است، به سه گونه صورت می‌گیرد که هر سه تای آن در طول یکدیگر قرار دارند (کوربین و استراس، ۱۳۸۷).

۱. کدگذاری باز (آزاد): کدگذاری آزاد، بخشی از تجزیه و تحلیل است که مفاهیم پس از جز جز کردن متن، استخراج و مقولات براساس مفاهیم به‌دست آمده مشخص و نامگذاری می‌شوند (همان).

۲. کدگذاری محوری: بعد از مرحله کدگذاری باز، مقولات به دست آمده پالایش و تفکیک می شوند. در واقع، کدگذاری محوری، فرآیند مرتبط کردن مقوله های فرعی با مقوله های اصلی است (فلیک، ۱۳۸۷، ص ۳۳۵؛ استراس و کوربین، همان، ص ۱۰۰-۱۰۲ و ۱۱۳).

۳. کدگذاری انتخابی یا گزینشی: در اینجا کدگذاری محوری در سطحی انتزاعی تر ادامه می یابد و تحلیل از سطح توصیفی فراتر رفته، خط اصلی داستان تشریح می شود. به عبارت دیگر، انتخاب مقوله اصلی به طور منظم، پیگیری و روابط آن با سایر مقوله ها مشخص می شود. از سوی دیگر، جاهای خالی روابط با مقوله ای پر می شود که به گسترش نیاز دارد. در این مرحله به مقوله به دست آمده غنا داده می شود و روابط بین آنها مشخص می شود (استراس و کوربین، همان). قبل از بیان یافته های تحقیق به چند نکته آغازین و مهم اشاره می شود.

الف) در این پژوهش، آیات شریفه قرآن به طور مستقیم مبنای تحقیق قرار نگرفته است؛ بلکه تفسیر راهنما، به دلیل ویژگی های بدیع و منحصر به فردش، اساس کار قرار گرفت و به تناسب هر آیه شریفه، از تفاسیر گوناگون از جمله سه تفسیر ارزشمند المیزان، نمونه و مجمع البیان نیز بهره گرفته شد.

ب) در این مقاله سعی شده به آیاتی توجه شود که به گونه ای به مباحث علم جامعه شناسی یا روان شناسی اجتماعی می پردازند یا موضوع هایی را طرح می کنند که آثار و پیامدهای اجتماعی دارد.

ج) در واقع، این پژوهش، تحقیقی بین رشته ای است و هیچ گاه سعی نکرده نظریه های علم جامعه شناسی را بر مباحث قرآنی تحمیل کند بلکه به گونه ای تلاش شد تا بدون توجه به نظریه های جامعه شناسی، مباحث و نتیجه گیری های قرآنی در قالب اصطلاحات جامعه شناسی و به صورت گزاره های منطقی با محتوای قرآنی ارائه شود.

### شرایط اجتماعی و فرهنگی مؤثر در ظهور آرمان شهر قرآنی

اینکه چه شرایط اجتماعی و فرهنگی باعث ظهور ادیان الهی می شود، پرسشی است که پاسخ آن از راه تحلیل محتوای کیفی تفاسیر آیات قرآن به دست می آید. درباره دلایل ظهور ادیان، نظرهای گوناگون و متنوعی وجود دارد که پرداختن به همه آنها در این نوشتار نمی گنجد. استاد بزرگوار، علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۱۳ سوره بقره<sup>۱</sup> مطالبی ارائه می دهد که بیان بخشی از

۱. بقره، ۲۱۳: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» مردم قبل از بعثت انبیا همه یک امت بودند، خداوند به خاطر اختلافی

آن در توضیح این بحث کمک می‌کند. ایشان معتقد است «نوع بشر به حسب طبع، بهره‌کش است و این بهره‌کشی و استخدام فطری، او را به تشکیل اجتماع وامی‌دارد و در عین حال، کار او را به اختلاف و فساد می‌کشاند. در نتیجه، در همه شؤون حیاتش، دچار اختلاف می‌شود و حوائج او برآورده نمی‌شود، مگر با قوانینی که حیات اجتماعی او را اصلاح کند و اختلافاتش را برطرف کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۹۶). به نظر علامه همین موضوع دلیل بعثت انبیا و آمدن ادیان از سوی خداوند است. به عبارت دیگر، سبب دعوت دینی همان سیر بشر، براساس طبع و فطرتش، به سوی اختلاف است. همان‌طور که فطرتش او را به تشکیل جامعه دعوت می‌کند، همان فطرت نیز او را به طرف اختلاف و تضاد می‌کشاند. در صورتی که عامل کشیدن بشر به سوی اختلاف، فطرتش باشد، این فطرت دیگر نمی‌تواند برطرف کنند، اختلاف و تضاد به وجود آمده باشد. به‌طور طبیعی، عاملی که تضادها و اختلاف‌ها را از بین می‌برد، باید عاملی خارج از فطرت باشد. به همین دلیل، خداوند از راه بعثت انبیا و تشریح شرایع، نوع بشر را به سوی کمال منطبق با فطرتش هدایت و تضادها و اختلاف به‌وجودآمده را برطرف می‌کند. بر این اساس مشخص می‌شود که خود انسان نمی‌تواند نقیصه‌ای که پس از تشکیل جامعه در زندگی او به وجود می‌آید، برطرف و خود را به کمال مورد نظر دین نزدیک کند.

با نگاهی عمیق‌تر به آیه مزبور می‌توان به موضوع متفاوت‌تر از آنچه بیان شد، توجه کرد. بیشتر مفسران، آیه شریفه ۲۱۳ سوره بقره را آیه‌ای می‌دانند که دلیل تشریح دین را بیان فرموده و لذا مباحث تفسیری ذیل آن در همین راستا جهت‌گیری شده است. می‌توان از ابتدای این آیه، چگونگی پیدایی و ظهور جامعه و به‌ویژه اجتماع شهری را استفاده کرد. کلمه «أُمَّة»، از ماده «ام» و در لغت به معنای قصد و در اصطلاح، به تعدادی از انسان‌ها اطلاق می‌شود که انگیزه و هدف مشترکی دارند و از این‌رو، روابط اجتماعی بین آنها دوستانه و مبتنی بر صمیمیت است. البته «أُمَّة» در آیات قرآن، گاه بر فرد،<sup>۱</sup> گاه بر زمان به نسبت طولانی،<sup>۲</sup> و گاه بر ملت و دین<sup>۳</sup> اطلاق شده است (طباطبایی، همان، ج ۲) که موضوع بحث این مقاله نیست. براساس این آیه، مردم در گذشته «أُمَّةً وَاحِدَةً» بودند؛ به عبارت دیگر، انگیزه

۱. که در میان آنان پدید آمد، انبیاپی به بشارت و انذار برگزید و با آنان کتاب را به حق نازل فرمود تا طبق آن در میان مردم و در آنچه اختلاف کرده‌اند، حکم کنند. این بار در خود دین و کتاب اختلاف کردند و این اختلاف پدید نیامد، مگر از ناحیه کسانی که اهل آن بودند و انگیزه‌شان در اختلاف حسادت و طغیان بود. در این هنگام بود که خدا کسانی را که ایمان آوردند، در مسائل مورد اختلاف به سوی حق رهنمون کرد و خدا هر که را بخواهد به سوی صراط مستقیم هدایت می‌کند». نحل، ۱۲۰: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ همانا ابراهیم (خلیل) امتی مطیع و فرمانبردار و یکتاپرست بود و هرگز به خدای یکتا شرک نیاورد».

۲. یوسف، ۴۵: «وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمْ أَذْكَرُ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ؛ و آن کس از آن دو [زندانی] که نجات یافته و پس از چندی [یوسف را] به خاطر آورده بود، گفت: «من را به [زندانی] بفرستید تا شما را از تعبیر آن خبر دهم».

۳. «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مؤمنون، ۵۲). «إِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»؛ (انبیاء، ۹۲).

و اهداف مشترکی داشتند و در وحدت، یکپارچگی و وفاق کامل به سر می‌بردند. هیچ‌گونه تضاد و تعارض فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مشاجره و اختلاف در مذهب و عقیده بین آنها وجود نداشت. زندگی آنها ساده و ابتدایی بود و نیز تمایل‌ها، خواسته‌ها و نیازهای آنها شبیه به هم و ابتدایی بود. فطرت آنها دست نخورده بود و خدا را طبق همین فطرت عبادت می‌کردند. به دلیل شباهت در خواسته‌ها، تمایل‌ها و نیازها، هیچ‌کس برای دیگری مزاحمت ایجاد نمی‌کرد و همه همراه و همسوی با یکدیگر به سوی هدف مشترکی در حرکت بودند. در این شرایط واقعاً مردم «أُمَّةً وَاحِدَةً» بودند. طبق بعضی از روایات، احتمالاً فاصله این دوره، از زمان حضرت آدم تا زمان حضرت نوح را شامل می‌شده است (مکارم شیرازی، همان). به تدریج شرایط دگرگون شد؛ در جامعه‌ای که انگیزه‌ها و اهداف، مشترک و روابط دوستانه بین افراد برقرار بود، به دلیل افزایش جمعیت و متنوع شدن خواسته‌ها و تمایل‌ها، یک گروه به گروه‌های گوناگونی تبدیل شد که اهداف، انگیزه‌ها، تمایل‌ها و خواسته‌های هر کدام از این گروه‌ها و اعضای آنها، متفاوت و گاه در تضاد با یکدیگر قرار می‌گرفت. تنوع در گروه‌ها و به تبع آن اهداف و انگیزه‌ها، باعث برهم خوردن نوع روابط اجتماعی بین آنها شد. روابط اجتماعی غیر دوستانه و گاه خصمانه شد. این شرایط، تضادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی را دامن زد و جامعه پر از تنش و کشمکش شد. بروز این تضاد در جامعه، امری ضروری و طبیعی بود؛ چرا که با توسعه و پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، تمایل‌ها، خواسته‌ها و نیازهای انسان، متفاوت و گاه در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرد. اینجا بود که انسان به قوانین و تعلیمات انبیا نیاز پیدا کرد: «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ». انبیا نیز آمدند تا «لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ». بروز تضاد و تعارض اجتماعی و اقتصادی در جامعه، باعث نزول شریعت برای برطرف کردن این تضادها و تعارضات شد؛ به عبارت دیگر، از نظر قرآن کریم، وقتی جامعه دچار تعارض اجتماعی، فرهنگی و غیر شود، فقط از راه دین می‌توان آن را دوباره به وحدت و وفاق سوق داد؛ چرا که دین الهی منطبق با فطرت او است. پس از ظهور دین، ایمان به انبیا الهی و تمسک به تعالیم آنها، تضادهای اجتماعی و فرهنگی را به وفاق و یکپارچگی تبدیل کرد؛ اما این وحدت و انسجام دوباره خدشه‌دار شد. بروز دومین تضاد به هیچ‌وجه طبیعی نیست و ناشی از «بَغْيًا بَيْنَهُمْ: حسادت و طغیان» نخبگان و علمای آن جامعه است: «إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ». این موضوع، نشان‌دهنده شکل‌گیری مدیریت و رهبری در شهر و نیز بیانگر برهم خوردن وفاق، همبستگی و انسجام مبتنی بر دین در جامعه شهری به وسیله نخبگان فرهنگی و مذهبی است. در نتیجه، دوباره تضادهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه شکل

گرفت و گسترش یافت. بنابراین، مانع اصلی بر سر شکل‌گیری جامعه دینی و تحقق اهداف دین در جامعه شهری، نخبگان فرهنگی، اجتماعی و دینی هستند که عنصر حسد و سرکشی در آنها از دیگران بیشتر تقویت شده است. به همین ترتیب، نخبگان و علمایی که دچار «بعی» نیستند، در ایجاد جامعه‌ای سالم و ساختن الگو تأثیر دارند و می‌توانند انسجام و همبستگی اجتماعی را تقویت کنند و جامعه‌ای یکپارچه و منسجم بسازند.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که جامعه اولیه، ساده، ابتدایی و دارای اهداف، انگیزه‌ها، تمایل‌ها، خواسته‌ها و نیازهای مشابه و مشترکی بودند که به تدریج به جامعه‌ای پیچیده و دارای تنوع گروهی با تکرار اهداف، انگیزه‌ها، تمایل‌ها، خواسته‌ها و نیازهای متفاوت تبدیل می‌شود که گاه با یکدیگر در تضاد قرار داشتند. بر اثر بروز تضادهای گوناگون اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی در جامعه جدید که بر اثر افزایش جمعیت به وجود آمد، خواسته‌ها و اهداف الهی، تحت الشعاع قرار گرفت و بعثت انبیا برای برطرف کردن همین تضادها صورت گرفت. گرچه با ظهور انبیای الهی و ایمان مردم به آنها، دوباره انسجام و همبستگی اجتماعی به جامعه بازگشت؛ اما در این جامعه، نخبگان، مدیران و رهبرانی ظهور کردند که خواست آنها با خواست انبیای الهی در تعارض قرار داشت. و چون حسادت و طغیانگری را در وجود خود داشتند، شعله تضادها و کشمکش‌های اجتماعی را برافروختند. شاخص جامعه جدید که آن را جامعه شهری می‌توان نامید، این است که در آن، گروه‌های اجتماعی متعدد و دارای اهداف و انگیزه‌های متفاوت و گاه متضاد ظهور می‌کند و با ظهور نخبگان، رهبران و مدیران، تضاد و کشمکش در اجتماع جدید، عنصر اصلی قرار می‌گیرد. آنچه بیان شده نتیجه تحلیل محتوای کیفی تفاسیر آیات ۲۱۳ سوره بقره و آیه ۱۹ سوره یونس<sup>۱</sup> بود که پس از کدگذاری و طبقه‌بندی به صورت زیر ارائه می‌شود.

۱. جامعه اولیه، وحدت و یکپارچگی فرهنگی، اجتماعی و مذهبی داشت؛
۲. در جامعه اولیه، هیچ‌گونه تضاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی وجود نداشت؛
۳. بروز تضاد فرهنگی و اقتصادی بر اثر پیشرفت و توسعه جامعه، امری طبیعی است؛
۴. نخبگان فرهنگی، اجتماعی و دینی در جامعه شهری ظهور می‌کنند؛
۵. در جامعه شهری، فقط دین وحدت و همبستگی اجتماعی را فراهم می‌کند؛

۱. یونس، ۱۹: «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ؛ مردم (در آغاز) امتی واحد بودند، و سپس اختلاف کردند و اگر فرمانی از طرف پروردگار تو (دوباره عدم مجازات سریع آنان) نبود، در آنچه اختلاف داشتند، میان آنها داوری می‌کرد.»

۶. مدیریت و رهبری در شهر شکل می‌گیرد و رهبری دینی می‌تواند تضادها را برطرف کند؛
۷. شکل‌گیری جامعه بدون کشمکش و تضاد اجتماعی مبتنی بر دین، جامعه ایده‌آل و آرمانی است؛
۸. بروز تضادهای فرهنگی و برهم خوردن وحدت نمادی جامعه، به وسیله نخبگان فرهنگی ایجاد می‌شود؛
۹. بروز تضادهای فرهنگی و فکری، پس از بروز تضادهای اجتماعی و حل و فصل آنها امکان‌پذیر است؛
۱۰. مانع اصلی شکل‌گیری جامعه آرمانی دین، نخبگان فرهنگی هستند؛
۱۱. فقط براساس دین شکل‌گیری جامعه‌ای بدون تضادهای طبقاتی و اجتماعی ممکن می‌شود؛
۱۲. تضادهای فرهنگی فقط توسط نخبگان فرهنگی به وجود می‌آید؛
۱۳. حسد و سرکشی نخبگان فرهنگی، دو عامل اساسی بروز تضادهای فرهنگی در جامعه است؛
۱۴. نخبگان فرهنگی و علما، در شکل‌گیری جامعه‌ای سالم و صالح یا جامعه‌ای فاسد، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.
۱۵. رهبران الهی همواره به دنبال تبلیغ و شکل دادن به جامعه‌ای واحد و مبتنی بر دین بوده‌اند.

### مهم‌ترین شاخص‌های آرمان شهر قرآنی

در بخش قبل مشخص شد که جامعه اولیه، به دلیل داشتن هدف و انگیزه مشترک، انسجام و همبستگی کامل دارد؛ اما به تدریج که اهداف، انگیزه‌های فردی و اجتماعی متعدد، متنوع و متضاد شد، جامعه از گروه‌های متفاوت و گاه متضاد تشکیل می‌شود که دچار تضادها و تعارض‌های گوناگونی است. در این هنگام، دین به فریاد جامعه می‌رسد و همانند آب بر آتش سبب فروکش کردن شعله‌های تضادها و کشمکش‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود. اما دوباره حسادت و طغیان نخبگان فرهنگی و علمای جامعه، شعله‌های تضاد و کشمکش را شعله‌ور می‌کند و مانع شکل‌گیری جامعه مورد نظر دین می‌شود. این به آن معنا است که اگر نخبگان و علما این دو ویژگی سوء مزبور را نداشته باشند و جز تحقق اهداف دین، به چیز دیگری توجه نکنند، جامعه دینی شکل می‌گیرد. همین نکته مهم و اساسی در آیه شریفه ۱۱۰



سوره مبارکه آل‌عمران<sup>۱</sup> و آیه ۴۱ سوره حج<sup>۲</sup> آمده است. خطاب «کُنْتُمْ» در این آیه «کُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ»، به مؤمنان است و به همین دلیل «لِلنَّاسِ» شامل سایر مردم می‌شود. براساس آنچه درباره «أُمَّةٍ» پیش‌تر بیان شد، مؤمنان در میان همه مردم، بهترین گروهی هستند که اهداف و انگیزه‌های مشترک و واحدی داشته‌اند و با همدیگر روابط صمیمانه و دوستانه برقرار کرده‌اند. این ویژگی مؤمنان نشان می‌دهد که آنها اولاً اهدافشان مشترک است، ثانیاً با یکدیگر در کنش متقابل اجتماعی هستند و ثالثاً نسبت به جمع خویش احساس تعلق خاطر دارند؛ پس به معنای واقعی، گروه اجتماعی را شکل می‌دهند. به عبارت دیگر، تفکیک نقش در میان آنها صورت گرفته و رهبر واحدی دارند. همچنین طبق آیه شریفه ۲۱۳ سوره بقره، دو ویژگی حسادت و طغیان را ندارند؛ بلکه تمام تلاش و کوشش آنها، دین و تحقق اهداف دین است.

گروه مؤمنان با ساختاری منسجم، یکپارچه و اهداف، انگیزه‌ها، تمایل‌ها و نیازهای مشترک مبتنی بر دین، الگو و نمونه برای سایر مردم هستند. گرچه جامعه دربردارنده مؤمنان، همانند جامعه اولیه، انسجام و همبستگی دارد و اهداف و انگیزه‌های اعضای آن، همانند جامعه ابتدایی، مشترک و مشابه است؛ اما جامعه‌ای پیچیده و پیشرفته است که اعضای آن آگاهی‌های گوناگونی دارند. همچنین به دلیل آنکه دینداری مؤمنان مبتنی بر فطرت آنها است؛ پس باعث یکپارچگی و انسجام برای مردم آن جامعه می‌شود. نخبگان، علما و رهبران این جامعه نیز حسود و طغیانگر نیستند تا جامعه را دوباره دچار تضاد و تعارض کنند. به عبارت دیگر، خدامحوری و دین تمام حیات آنها را دربر گرفته و هیچ هدف و انگیزه‌ای جز دین ندارند. به‌طور یقین، مصداق بارز جامعه‌الگو و نمونه مورد نظر این آیه شریفه، شامل جامعه‌ای است که به رهبری آخرین پیامبر الهی (ص) در صدر اسلام شکل گرفت. اما به دلیل آنکه بسیاری از مفسران به برداشتن قید زمان از خطاب «کُنْتُمْ» اعتقاد دارند، علاوه بر الگو بودن «مدینه النبی» در صدر اسلام، تحقق جامعه دیندار در زمان‌های دیگر نیز امکان‌پذیر و به ایمان و عمل مؤمنان بستگی دارد.

حال این پرسش مطرح می‌شود که چه ویژگی‌هایی مؤمنان باید داشته باشند تا اجتماع آنها به الگو و نمونه تبدیل شود؟ تاکنون نشانه‌ها و ویژگی‌های مؤمنان را به تفصیل توضیح دادیم و تفاوت آنها را با گروه نفاق و مشرکان برشمردیم. اما قرآن مجید در آیه ۴۱ سوره حج

۱. آل‌عمران، ۱۱۰: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ؛ شما از ازل بهترین امتی بودید که برای مردم پدید آمدید، چون امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب هم ایمان می‌آوردند، برایشان بهتر بود، لیکن بعضی از آنان مؤمن و بیشترشان فاسق هستند».

۲. حج، ۴۱: «الَّذِينَ إِذَا مَكَاتُهُمْ فِي الْأَرْضِ أَحَقُّوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ (آنان که خدا را یاری می‌کنند) آنها را می‌کنند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم، نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و (از هیچ‌کس جز خدا نمی‌ترسند چون می‌دانند که) عاقبت کارها به دست خداست».

شرایط شکل‌گیری جامعه دیندار و الگو را بیان می‌کند. در این آیه دو ویژگی مهم که باعث الگو شدن جامعه مؤمنان می‌شود آمده است: «تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ». نظارت اجتماعی و ایمان به خدا، دو ویژگی اساسی است که گروه مؤمنان را به جامعه‌ای آرمانی و الگو تبدیل می‌کند. نظارت اجتماعی، ابزاری است که رفتارهای مردم را در مسیرهای پذیرفته‌شده و مورد انتظار جامعه قرار می‌دهد (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹) که با جریان جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن از ابتدای تولد آغاز می‌شود. چنانچه جامعه‌پذیری به شکل کامل صورت گیرد و فرد ارزش‌ها، هنجارها و باورهای جامعه خویش را به گونه‌ای درونی کند که جزء ذات او قرار گیرد، درحقیقت، او نظارت اجتماعی را درونی کرده، قوی‌ترین ابزار کنترلی در او شکل گرفته است. همان‌طوری که دومین ویژگی مورد نظر این آیه شریفه، به این بحث اشاره کرده است. کسی که ایمان به خدا در ذاتش قرار گرفته باشد، درحقیقت خدامحوری همه وجود او را شکل می‌دهد و او هیچ استقلالی برای خویش قائل نیست و همواره ذات اقدس الهی را ناظر و قائم بر خویش می‌داند. او عالم را محضر خدا می‌بیند؛ پس به خود اجازه هیچ‌گونه کجی و انحراف نمی‌دهد. حتی او از لحظه‌ای غفلت از ذات بیکران الهی نگران است و همواره خود را بر غفلت‌های پیش‌آمده سرزنش می‌کند. چنین فردی قوی‌ترین، مؤثرترین، روزآمدترین و دائمی‌ترین ابزار کنترلی را در اختیار دارد؛ بنابراین، همواره مواظب خویش است تا مشکلی برای رابطه او با خدایش ایجاد نشود. همه افراد جامعه مؤمنان، چنین حالتی را دارند؛ پس خودکنترلی به‌طور عام در جامعه فراگیر می‌شود. اگر جامعه‌پذیری به‌طور کامل هم صورت نگرفته و تعهد کافی در افراد ایجاد نشده باشد، جامعه از راه دیگری به پاسداری از ارزش‌ها و هنجارهای خویش می‌پردازد که شامل نظارت اجتماعی به صورت رسمی و غیر رسمی می‌شود. چنانچه نظارت اجتماعی به عنوان اولین نقش هر کدام از افراد جامعه نهادینه شود، ایمان تقویت می‌شود و کج‌رفتاری و انحراف در جامعه کاهش خواهد یافت. این موضوع در سطحی کلان، از انحطاط اجتماعی و فرهنگی پیشگیری خواهد کرد. پایداری در نظارت اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی را افزایش می‌دهد و رشد و پویایی فرهنگی می‌شود. در چنین شرایطی، تعادل اجتماعی برقرار و نظام اجتماعی از استحکام و ثبات برخوردار می‌شود. براساس تحلیل محتوای تفاسیر آیاتی که به این موضوع می‌پردازند، می‌توان برای نظارت اجتماعی آثار و پیامدهایی بیان کرد که پس از کدگذاری و طبقه‌بندی مفاهیم به‌دست آمده، موارد زیر قابل اشاره است.

۱. نظارت اجتماعی، زمینه پایداری به ارزش‌ها و هنجارها را فراهم می‌کند (بقره، ۲۳۸)؛
۲. نظارت اجتماعی، باعث انسجام و همبستگی اجتماعی در جامعه می‌شود (بقره، ۱۰۴)؛

۳. نظارت اجتماعی، سبب رشد و پویایی فرهنگی و اجتماعی می‌شود (آل‌عمران، ۱۰۴)؛
  ۴. نظارت اجتماعی، زمینه جلوگیری از کجروی و انحراف‌ها را ایجاد می‌کند (اعراف، ۱۶۴)؛
  ۵. نظارت اجتماعی، باعث جلوگیری از انحطاط اجتماعی می‌شود (اعراف، ۱۶۵)؛
  ۶. نظارت اجتماعی، ملاک برتری جوامع از یکدیگر است (آل‌عمران، ۱۱۰)؛
  ۷. نظارت اجتماعی، از نقش‌های همه اعضای جامعه (بدون توجه به جنسیت) است (مائده، ۷۹ و ۸۰)؛
  ۸. نظارت اجتماعی، ملاک ظهور جامعه آرمانی است (آل‌عمران، ۱۱۰)؛
  ۹. نظارت اجتماعی، مهم‌ترین ویژگی جامعه قرآنی و آشکارترین نقش مؤمنان است (توبه، ۷۱)؛
  ۱۰. نظارت اجتماعی، یکی از سازوکارهای حفظ تعادل اجتماعی در جامعه است (یس، ۲۰)؛
  ۱۱. نظارت اجتماعی، از نابودی و انقراض فرهنگ و جامعه جلوگیری می‌کند (هود، ۱۱۶)؛
  ۱۲. نظارت اجتماعی، باعث کاهش سلطه گروه‌های بیگانه بر جامعه کاهش می‌شود (شعرا، ۱۷۹)؛
  ۱۳. نظارت اجتماعی، زمینه‌های قوم‌گرایی و خود برترینی در جامعه را کاهش می‌دهد (آل‌عمران، ۷۶)؛
  ۱۴. ترک نظارت اجتماعی توسط علما و نخبگان فرهنگی جامعه، زمینه تغییر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی را فراهم می‌کند (مائده، ۶۳)؛
  ۱۵. نظارت اجتماعی، زمینه استحکام و ثبات نظام اجتماعی را فراهم می‌کند (آل‌عمران، ۱۱۱)؛
  ۱۶. نظارت اجتماعی، باعث از میان رفتن ربا در نظام اقتصادی می‌شود (بقره، ۲۷۸)؛
  ۱۷. نظارت اجتماعی، سبب ایجاد تعهد در افراد نسبت به حقوق یکدیگر می‌شود (بقره، ۲۸۲).
- درحقیقت، ایمان به خدا اساس و پایه جامعه مؤمنان است و نظارت اجتماعی وظیفه پاسداری از آن را بر عهده دارد. ایمان و نظارت اجتماعی با یکدیگر رابطه‌ای دوسویه و متقابل دارند و هر کدام باعث تقویت و پایداری دیگری می‌شود. اگر ایمان به خدا شکل گیرد، زمینه ثبات و استحکام شخصیتی افراد را فراهم می‌کند و در شرایط ناامن، احساس امنیت و در شرایط بحرانی، پایداری و مقاومت را برای افراد جامعه به ارمغان می‌آورد. ایمان

به خدا سبب مودت و دوستی تعمیم یافته در جامعه می شود و آن را افزایش می دهد. چنین شرایطی باعث خواهد شد که وفاق و یکپارچگی در جامعه روزبه روز افزایش یابد و ماندگاری فرهنگی و اجتماعی تقویت شود. در ادامه نیز بخشی دیگر از آثار ایمان را با بهره گیری از تحلیل محتوای تفاسیر آیات قرآن به صورت خلاصه اشاره می کنیم:

۱. ایمان عامل انسجام و همبستگی و باعث افزایش پیوند گروه های قومی و فرهنگی با یکدیگر است (حشر، ۹).
  ۲. ایمان باعث برقراری روابط عاطفی و دوستانه افراد با یکدیگر می شود (حشر، ۹؛ حجرات، ۱۰).
  ۳. ایمان سبب استحکام شخصیت و عدم تزلزل ذهنی در شرایط سخت و دشوار می شود (فتح، ۴).
  ۴. ایمان زمینه افزایش شناخت را در انسان ایجاد می کند (تغابن، ۱۱).
  ۵. ایمان باعث تقویت پایداری و مقاومت افراد در برابر ناملازمات و سختی ها می شود و خود سختی ها نیز سبب تقویت ایمان در افراد می شوند (تغابن، ۱۱).
  ۶. ایمان زمینه رفاه اقتصادی و اجتماعی را فراهم می کند (صافات، ۱۴۸).
  ۷. ایمان باعث بقا و ماندگاری فرهنگ و نظام خویشاوندی می شود (صافات، ۸۱) (در آیه ۷۷ همین سوره می فرماید که فقط نسل حضرت نوح دوام و استمرار داشته است؛ یعنی فرهنگی که نوح اشاعه دهنده و مروج آن بود. همچنین در آیه ۸۱ همین سوره می فرماید که علت این استمرار، تداوم ایمان آنها بود و در آیه ۸۳، نشانه استمرار فرهنگ نوح را حضرت ابراهیم و خط فکری وی می داند).
  ۸. ایمان سبب تمایزگذاری در روابط اجتماعی می شود؛ به این گونه که گرچه مؤمن با سایر مؤمنان رابطه ای عاطفی و دوستانه دارد؛ ولی روابط او با مشرکان و منافقان سرد و غیر دوستانه است (مجادله، ۲۲).
  ۹. ایمان زمینه هنجارشکنی، گناه و انحراف را از میان می برد (زمر، ۱۳).
- جامعه الگوی دینداری مورد نظر قرآن مجید، فقط در ذهن باقی نمی ماند و (هم در گذشته و هم در آینده) تحقق خارجی می یابد. جستجو در تاریخ، نمونه های بی بدیلی را به ما نشان می دهد که دو ویژگی مورد نظر این آیه شریفه برای شکل گیری جامعه آرمانی را در حد اعلی داشته اند. جامعه ای که حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، خانواده و یاران باوفایش در مدت کمی که از مدینه به مکه و از آنجا تا کربلا و روز عاشورا تشکیل دادند (مجلسی، بی تا، ج ۴۴، ص ۳۲۹)،

اجتماعی الگو است که تحقق یافته است. در آینده نیز با ظهور منجی عالم بشریت، این آرمان‌شهر شکل می‌گیرد و اساس آن، همین دو ویژگی مورد نظر قرآن مجید خواهد بود. نکته مهم دیگر، این است که جامعه الگوی دینداری فقط توسط مؤمنان شکل می‌گیرد و تا زمانی که بقیه ویژگی ایمان و نظارت اجتماعی را نداشته باشند، توانایی تشکیل چنین جامعه‌ای را نخواهند داشت. هرچند احتمالاً آنها بتوانند نظارت اجتماعی را در بخش‌هایی از جامعه خویش به اجرا گذارند، لیکن هنگامی ایمان به خداوند در آنها محقق خواهد شد که مبتنی بر آیه ۶ سوره صف،<sup>۱</sup> حداقل به شریعت پیامبر خویش ایمان آورند و خبر ظهور پیامبر اسلام توسط پیامبرشان را تصدیق کنند. اگر این پیام را تصدیق کنند، ایمان به خداوند در آنها محقق خواهد شد و آنها نیز در گروه مؤمنان قرار می‌گیرند و می‌توانند جامعه آرمانی مورد نظر قرآن را تشکیل دهند.

این نگاه به توسعه و پیشرفت، نگاهی از درون و برگشت به خود است. براساس نگاه قرآن، الگوگیری توسعه‌ای خارج از گروه مؤمنان در جامعه دینی قابل تحقق نیست. نکته جالب دیگر اینکه، الگوی مورد نظر قرآن، فقط انسان را محور قرار می‌دهد و ابزار و تکنولوژی را در ساختن جامعه الگو و نمونه مؤثر نمی‌داند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به آیات شریفه قرآن مجید، جامعه اولیه که وحدت و یکپارچگی داشت، به تدریج با تغییر فرهنگ، دچار تضاد شد و گروهی واحد با انگیزه‌ها و اهدافی واحد و مشترک به گروه‌های متفاوت با انگیزه‌ها و اهداف متفاوت و گاه متضاد تبدیل شد. بعثت انبیا انسجام و همبستگی اجتماعی مبتنی بر فرهنگ دین را دوباره به جامعه بازگرداند؛ لیکن این بار نخبگان و رهبران به دلیل حسادت و طغیانی که در خود داشتند، جامعه را دچار تضاد و کشمکش کردند. جامعه مؤمنان به دلیل برخورداری از فرهنگ یکپارچه دینی مبتنی بر فطرت، اهدافی واحد و نیز داشتن دو ویژگی نظارت اجتماعی و ایمان به خدا، جامعه آرمانی و الگو را شکل می‌دهد. در این جامعه، سرمایه اجتماعی بالا است، چرا که روابط آنها با یکدیگر عاطفی، دوستانه و تعمیم یافته است و به یکدیگر در همه زمینه‌ها اعتماد دارند. گرچه در اینجا

۱. صف، ۶: «وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيِ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ؛ و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل، من فرستاده خدا به سوی شما هستم. تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او احمد است، بشارت‌نگرم. پس وقتی برای آنان دلایل روشن آورد، گفتند: این سحری آشکار است.»

برخلاف جوامع دیگر، سرمایه اجتماعی تابع سرمایه اقتصادی نیست؛ اما باعث رفاه و رونق اقتصادی و مادی می‌شود. در چنین جامعه‌ای، ظواهر و بواطن اماکن شهری تقویت‌کننده ایمان مؤمنان و مجری نظارت اجتماعی است. امروزه نیز جامعه‌شناسان شهری، درمان ترس و احساس ناامنی فراگیر مردم شهرنشین در دنیای صنعتی را ساختن دیوارهای بلند و تشدید مراقبت‌ها نمی‌دانند؛ بلکه درمان را تقویت سرمایه اجتماعی و گسترش روابط عاطفی و دوستانه بین مردم و رهبران می‌دانند (باندز، ۱۹۹۸).

۱. شبکه‌های اجتماعی که در این جامعه شکل می‌گیرند، به صورت خودکار حفظ و نگهداری و بازتولید سرمایه اجتماعی را بر عهده دارد و با رابطه‌ای دوسویه، هم زمینه تقویت و پایداری ایمان به خدا را فراهم می‌کند و هم خود تأیید، تقویت و پایدار می‌شود.
۲. زیرساخت‌های شهری، اعم از ساختارهای اداری، خیابان‌ها و میادین، اماکن عمومی، بازار و همسایگی، بوستان‌ها و غیره، همگی مبتنی بر دو ویژگی مورد نظر قرآن شکل و سامان گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که ظواهر و بواطن این اماکن تقویت‌کننده ایمان به خداوند و مجری نظارت اجتماعی است.
۳. این جامعه چون مبتنی بر فرهنگ دینی است و دین هم با فطرت انسان منطبق است، یا تضادی در آن وجود ندارد یا در حداقل ممکن است و گاه خود زمینه تقویت و پایداری ایمان را دربر دارد.
۴. آخرین نکته این است که چنانچه هر کدام از افراد جامعه، دو ویژگی مورد نظر قرآن را در حد کمال نداشته باشند، وجود رهبری برخوردار از این ویژگی، می‌تواند به تدریج جامعه‌ای الگو و نمونه را شکل دهد.

منابع<sup>۱</sup>

- قرآن کریم.
- آخوندی و ایازی (۱۳۹۰)، مفاهیم اجتماعی در قرآن، ج ۱-۳، چ ۱، قم: بوستان کتاب .
- آرون، ریمون (۱۳۷۰)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه پرهام باقر، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: بی‌نا.
- ابن هائم شهاب‌الدین احمد بن محمد (۱۴۲۳ق)، التبیان فی تفسیر غریب القرآن، چ ۱، بیروت: دارالغرب الإسلامی.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- اچ. ترنر، جان اتان (۱۳۷۱)، نشر فرهنگ، ترجمه لهسایی‌زاده، شیراز: بی‌نا.
- ازکیا و غفاری، (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی توسعه، [بی‌جا]: کیهان.
- استراس و کوربین (۱۳۸۷)، اصول روش تحقیق کیفی، ترجمه بیوک محمدی، [بی‌جا]: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- استیون، سیدمن (۱۳۸۶)، کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه جلیلی، تهران: نشرنی.
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۲)، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه مترجمان، [بی‌جا]: نشر سفیر.
- امامی، ابوالقاسم (۱۳۷۶)، تجارب الامم، تهران: سروش.
- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
- بروجردی، سیدمحمدابراهیم (۱۳۶۶)، تفسیر جامع، چ ۶، تهران: صدر.
- بلیکی (۱۳۸۷)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشرنی.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۵۶)، ترجمه تفسیر طبری، چ ۲، تهران: توس.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- حسکانی، حاکم (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ترجمه احمد روحانی، تهران: مؤسسه طبع و نشر.

۱. قابل بیان است که برای تحلیل محتوا و کدگذاری به این منابع کم و بیش مراجعه شده است.

- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۰)، عیون مسائل نفس و شرح آن، قم: قیام.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱)، انسان و قرآن، قم: قیام.
- حقی بروسوی، اسماعیل (۱۴۲۴ق)، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.
- خسروی حسینی، سیدغلامرضا (۱۳۷۵)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران: مرتضوی.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۳)، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۴)، درس‌هایی در فلسفه علم الاجتماع، تهران: نشر نی.
- شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، چ ۱۷، بیروت: دارالشروق.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد.
- شعیری، تاج‌الدین (۱۴۰۵ق)، جامع الأخبار (قرن ششم)، قم: رضی.
- شیخ صدوق (۱۴۰۰ق)، أمالی الصدوق، چ ۵، بیروت: نشر اعلمی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴ق)، من لا یحضره الفقیه، چ ۲، قم: جامعه مدرسین.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۶۹)، نامه علوم اجتماعی، چ ۲، ش ۱، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، چ ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: ناصر خسرو.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۸۷)، الطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، چ ۴، قم: اسماعیلیان.
- علامه حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۶)، مآثر آثار، تدوین: داوود صمدی آملی، [بی‌جا]: انتشارات الف لام میم.



- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۴۲۰ق)، تفسیر مفتاح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فرات کوفی، ابوالقاسم (۴۱۰ق)، تفسیر فرات الکوفی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- فضل الله، سید محمد حسین (۴۱۹ق)، تفسیر من وحی القرآن، چ ۲، بیروت: دارالملاک للطباعة والنشر.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۴۱۵ق)، تفسیر فیض کاشانی، تهران: الصدر.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، چ ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، واژه‌شناسی قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، چ ۳، تهران: بنیاد بعثت.
- کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۶)، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
- کرمی خونیری، محمد (۴۰۲ق)، التفسیر لکتاب الله المنیر، قم: چاپخانه حوزه علمیه قم.
- کوئن، بروس (۱۳۸۶)، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، [بی‌جا]: توتیا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی، ترجمه چاوشیان، تهران: نشر نی.
- مترجمان (۱۳۶۰)، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۱، تهران: فراهانی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، چ ۲، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مجلسی، محمد باقر (بی‌تا)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران: اسلامیه.
- مدرسی، سید محمد تقی (۴۱۹ق)، من هدی القرآن، چ ۱، تهران: دارالمحبی الحسین.
- مقنیه، محمد جواد (۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، چ ۱، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مندراس، هانری (۱۳۶۹)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: امیرکبیر.
- موسوی همدانی، سید محمد باقر (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸ق)، تفسیر آسان، [بی‌جا]: اسلامیه.
- واندز، میشل، نظریه‌های اجتماعی شهری (شهر، خود و جامعه)، ترجمه رحمت الله صدیق سروستانی، [بی‌جا]: منتشر نشده.